

کاوه \_ آوای دانشگاه

گزارش نشست مشترک بسیج و سپاه با فرزندان چه گوارا

## وقتی که چه گوارا به بسیج تو دهلی می زند!



دانشگاه تهران، دانشکده ی فنی \_ ۳ مهر ۱۳۸۶  
سومین روز از چهار روز برنامه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران با عنوان "چه مثل چمران!"

سناریوی چند قسمتی دعوت از چهره های چپ شناخته شده دنیا به تهران و سپس اهدای چفیه به همراه ماچ و بوسه و دست فشردن با بسیج و سپاه، چندی است که در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. این بار فرزندان ارنستو چه گوارا به دعوت بسیج به ایران آمده اند، کامیلو گوارا (پسر ارنستو) و آلیدا گوارا (دختر او).

"چه مثل چمران" قرار است ایهام داشته باشد. هم حرف "چ" به کار ساختن دو کلمه "چه گوارا" و "چمران" می آید و هم "چه" -چه گوارا- مثل "چمران" است! بگذریم از کارنامه کاری چمران و داستان های مربوط به آن. کل سناریو عبارت است از: ۴ روز پخش فیلم از آمریکای لاتین و کوبا و در سومین روز، برنامه سخنرانی فرزندان چه گوارا و مهندس مهدی چمران (برادر دکتر چمران) و مهندس! حاج سعید قاسمی.

قرار است "چه گوارا" مثل چمران باشد! و نه برعکس (که حتی برعکس آن هم مضحک است!). کتابچه ای که اول برنامه به دست ما می دهند، سراسر پر است از مقالاتی که بدجوری سعی دارد نهضت اسلامی ایران، نهضت مستضعفان، حزب الله لبنان، رادیکالیسم اسلامی و همه و همه را همپایه و در راستای جریان کمونیستی-چریکی چه گوارا بداند. و حتی چه گوارا را تقلیل دهد به -به اصطلاح- عدالت طلبی مذهبی. و چه مقاله ها که سعی شده نقش مذهب و عرفان را در آمریکای لاتین و شخص چه گوارا کشف و سپس برجسته کند!

برنامه ساعت ۳ شروع می شود. از قبل لااقل ۶۰ درصد ظرفیت سالن را بسیجی ها(ی دانشجوی؟) پر کرده اند. دو نفر آنها در پشت سر من صحبت می کنند: "آماده باش اگر درگیری پیش اومد حالشون رو بگیریم". بسیجی ها دور تا دور سالن تصاویر بزرگ مبارزان مختلفی را در کنار رهبران رادیکالیسم اسلامی در دست گرفته اند: خمینی، سید حسن نصرالله، چه گوارا، رهبران حماس و...!

سخنران اول مهندس حاج سعید قاسمی است. مجری بسیجی گاف می دهد در معرفی او:

"ایشان سابقه حضور در لبنان، فلسطین، جنگ ایران - عراق و بوسنی هرزگوین را دارد و البته ناظر(!) اتفاقات امروز در عراق!". (حالا می شد اصلا به این شکل لو ندهند حضور خودشان را در عراق). "ایشان یک چریک انقلابی و یک مبارز بین المللی هستند". حاج سعید از تمامی امکانات تاتری برای جلب نظر شنوندگان استفاده می کند. از پوزخندهای بی جا و بغض و سکوت و... حاج سعید تلاش می کند "چه گوارا" را در "مقطع زمانی خودش" قابل احترام جلوه دهد: "اگر امروز مرحوم "چه" زنده بود حتما در لبنان و در کنار حزب الله بود". حاج سعید از اعتقادات مذهبی و ایمان به خدا و مسیح در "چه گوارا" پرده بر میدارد و در حالی که صفحاتی کاملاً بی ربط به این موضوع را از مقالات چه می خواند بغض می کند! او می گوید در جنگ ایران و عراق دو ابرقدرت شرق و غرب، هم کمونیسم منحنط و هم امپریالیسم خونخوار آمریکا در مقابل "حضرت روح اله" ایستادند چون "انقلاب حضرت روح الله انفجار نور بود". او می گوید اگر این جنگ نبود حتما شما ها -یعنی فرزندان چه گوارا- زودتر به ایران می آمدید: "می دانم قلبتان برای آمدن به ایران می تپیده. حالا ما در کنار هم هستیم تا تاکتیک ها یمان را یکی کنیم". می گوید: "امروزه کمونیسم همانطور که حضرت روح الله پیش بینی کرد به زباله دان تاریخ پیوسته است و تنها راه نجات جهان، نهضت عدالت جویانه دینی و توحیدی است".

حاج سعید تمام تلاش خود را برای لجن مال کردن ایده های کونیستی "چه گوارا" به کار می برد. او حتی به کامیلو (پسر چه) رو میکند و می گوید: "شما پسر برومند مرحوم چه هم از لحاظ ظاهری و قیافه شباهت هستید واز آن مهمتر هم اکنون تجربه درخشان مسلمانان مبارز را پیش رو دارید. پس از شما دعوت می کنم به صف ما بپیوندید و مانند پدرتان وارد صحنه مبارزه واقعی شوید". حاج سعید بارها اشاره می کند که نه مردم کوبا، نه فیدل و نه چه گوارا، هیچکدام سوسیالیست و کمونیست نبوده اند و این را بارها فیدل انزعان کرده است. او از تنفر فیدل و چه گوارا و مردم کوبا از شوروی سوسیالیستی به خاطر همه عملکرد هایش صحبت می کند. حاج سعید جابجا فرزندان چه را خواهر آلیدا! و برادر کامیلو!

خطاب می کند. او در پایان، بسیار راضی از سناریویی که نوشته و قرائت کرده، از صحنه پائین می آید و در ردیف اول می نشیند.

بعد از حاج سعید، مهندس مهدی چمران صحبت میکند. مهدی چمران دو دوره است که رئیس شورای شهر تهران است. در دور اول احمدی نژاد با کمک فشارهای هم او به شهرداری تهران گماشته شد و همین مهدی چمران و حمایت های بی دریغش از احمدی نژاد در مقام شهردار تهران و بعد ها تا نامزدی ریاست جمهوری و سپس ریاست جمهوری احمدی نژاد ادامه یافت تا اینکه پس از به قدرت رسیدن احمدی نژاد همیشه در کنار او حضور داشت. مهدی چمران رفیق گرمابه و گلستان احمدی نژاد است. حالا مهندس مهدی چمران از برادرش "دکتر مصطفی چمران" و در مورد شخصیت و زندگی او صحبت میکند. از نبوغ او در علم فیزیک، مبارزات او و اینکه می توانست در آمریکا بماند و تدریس کند ولی مبارزه را انتخاب کرد و "او لبنان را پایگاهی کرد برای مبارزه با رژیم شاه و مبارزه با اسرائیل". مهدی از دست نوشته های مصطفی چمران می خواند و آنقدر حرف می زند که بسیج دانشجویی سه بار با گذاشتن برگه جلوی او اخطار می دهد که وقتش تمام شده است. مهدی چمران اشاره ای به چه گوارا نمی کند.

سپس نوبت به فرزندان "چه گوارا" میرسد. همه منتظرند که آنها در مقابل مواضع شیطانی و سراسر تحریف آمیز حاج سعید و دیگران چگونه موضع گیری می کنند. از فرزندان چه گوارا، دخترش صحبت می کند. اولین جمله "آلیدا گوارا" آب پاکی را روی دست تمام حضرات می ریزد. آنجا که برنامه با قران آغاز شده و از مجری و حاج سعید و هر نقل قول از "حضرت امام" با نام خدا و آیات و احادیث به زبان عربی است و هر صحبتی و آوردن نام خمینی با صلوات همراه است و از قران و اسلام و حتی مذهبی بودن چه گوارا صحبت می شود. آلیدا اینگونه آغاز می کند:

آلیدا گوارا: "به نام مردم کوبا سلام!". "ما ملتی سوسیالیست هستیم". تمام نقشه های حاج سعید و بسیج و سپاه برای بهره برداری از این برنامه نقش بر آب می شود. آلیدا در طول صحبت های حاج سعید، وقتی که مترجم برای او ترجمه می کرد، به حالت اعتراض و نفی، با عصبانیت سرش را تکان می داد. اکنون با همین دو جمله اول آلیدا، حاج سعید و دیگران سر به زیر انداختند. آلیدا می گوید "ما ممکن است اهداف مشترکی با هم بیابیم، اگر چه تفاوت فرهنگی داشته باشیم". و: "ملت کوبا با اندیشه های سوسیالیستی آبدیده شده. ما در کنار مردم آنگولا جنگیدیم. یک میلیون کوبائی در آنجا جنگیدند". < صفحه ۱۲